

## بیداری زنان: قضاوت افسانه‌ای تاگور

عودیتی بَنرجی ♦

ترجمه: شمیم‌الحق صدیقی\*

بیداری زنان نسبت به مقام شخصی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌شان در جامعه، اساساً استوار بر آموزش و پرورش می‌باشد که تعدادی از سؤالات را پیرامون مقامشان به‌خاطر می‌آورد و ایشان را تشویق می‌کند که صدایشان را علیه هر نابرابری، عدم عدالت و ستمگری بلند بکنند. بنابراین مبارزه اصلی جهت فایق آمدن به این‌گونه موانع و تبعیضات شروع می‌شود.

در قرن نوزدهم میلادی، اصلاحات اجتماعی مختلفی مانند نسخ رسم «ستی»<sup>۱</sup>، ازدواج کودکان و چند زنی، معرفی ازدواج مجدد بیوه و غیره در بنگال و سایر هند به‌عمل آمد. حقوق زنان برای داشتن سهمی در دارایی مالی، برگزیدن شوهرشان و ازدواج طبق دلخواه‌شان و غیره نیز در جامعه اهمیت به‌دست آورد.

زنان در بنگال و سایر مناطق هند از اصلاحات اجتماعی الهام زیادی گرفتند و در عین حال آموزش و پرورش زنان با کمک بعضی مبلغین مسیحی و نیز چند تن از آزادفکران نظیر پاندیت ایشور چندرا ویدیا ساگر، گروه جوانسالان بنگال، رابیندرا نات تاگور، راجا رادها کانتا دیو و غیرهم گسترش پیدا کرده بود. زنان شروع به‌نگریستن خارج از خانه و آشپزخانه کردند و این بیداری نقش مهمی را در تلاشهای ابتدایی‌شان

---

♦ استادیار گروه بنگالی کالج ذاکر حسین، دهلی‌نو

\* دانشیار بازنشسته فارسی بخش فارسی کالج ذاکر حسین، دهلی‌نو.

۱. ستی: سوختن و سوزاندن زن هندو با جنازه شوهرش.

برای نیل به کمی احترام و شناسایی به‌عنوان فردی در جامعه مغلوب مردان ایفا کرد. پس آن اصلاحات و دوره خاصی برای تفهیم بیداری زنان در بنگال بسیار مهم است. چنانکه می‌گویند ادب، آیین زندگی و جامعه می‌باشد. بنابراین بیداری زنان بنگالی یا هندی بدون تأثیر نهضت‌های اجتماعی مختلف در قرن نوزدهم میلادی کامل نخواهد بود، و اگر می‌خواهیم اهمیت اصلی ترسیم بیداری زنان در بعضی زمانهای بزرگ نویسندگان معاصر را بفهمیم، نمی‌توانیم و نباید تاریخ اجتماعی را نادیده بگیریم. رابیندرا نات تاگور (۱۸۶۱-۱۹۴۱ م) اگرچه به‌عنوان یک شاعر و فیلسوف برجسته و به‌عنوان یک معارف‌پرور بزرگ معروف‌تر است، افسانه‌نویس سرشناس هم می‌باشد. وی به‌عنوان پیشرو داستان‌های کوتاه قلمداد می‌شود و مجموعه انشاهای نام‌ها به‌اشخاص ممتاز مختلف، نقاشی‌ها و ترانه‌های او نشانگر شخصیت چند بُعدی‌اش می‌باشد. وی سیزده افسانه قابل ذکر را تصنیف کرد، یعنی «کروما»، «بوتاکورانی‌رهات»، «راجرشی»، «چوکهربالی»، «نوکادوبی»، «گورا»، «یوگایوگ»، «چتورنگا»، «گاره باثره»، «شیشر کا بیتا»، «دوئی بون»، «مالونچا» و «چار ادیائی». وقتی در اوایل قرن نوزدهم، تاگور سفرش را به‌عنوان «افسانه‌نویس» با «چوکهربالی» شروع کرد، زمان و ذهن مردم در جامعه در برابر بانکیم چندرا چترجی، پیشرو سرشناس افسانه‌های بنگالی از چندین لحاظ تغییر پیدا کرده بود. دوره بانکیم یعنی نیمه دوم قرن نوزدهم صحنه برخورد نه تنها دو قرن بلکه دو مجموعه ارزش‌ها و اخلاق‌ها می‌باشد، در صورتی که چندین اصلاحات اجتماعی هم‌اکنون در جامعه صورت گرفته بود، باز هم مردم کاملاً حاضر نبودند چیزهای تازه را با دلگرمی قبول بکنند. هنوز هم حیص و بیص و تردید در ذهن‌شان بود. در این صورت، نویسنده آزاد خیالی مثلی بانکیم در حد ممکن سعی کرد سؤالاتی را علیه تمام نابرابری اجتماعی مطرح بکند، اما توفیق نیافت پشتوانه‌ای را برای روش برخورد پیشرفته‌اش در زندگی روزمره به‌دست بیاورد.

در دوره رابیندرا نات تاگور سیستم آموزش و پرورش باختری و طرز جدید زندگی و نیز یک مجموعه تازه اقتدار و اخلاق برقرار شده بود. درحالی‌که الگوی تیولی قدیم کاملاً ترک نشده بود، سیستم ارتودوکس خانواده مشترک شروع به‌از هم پاشیدن

کرد. به جای آن یک طبقه میانه مردم باسواد، خدمتکار و مهدب کنترل‌کننده جامعه گردید و شروع به تسلط بر جامعه طرز زندگی و اذهان آن کرد.

ادبیات تمایل اجتماعی را دنبال می‌کند، بنابراین هیچ دلتنگی برای گذشته باشکوه و برای رُمان‌های تاریخی باقی نمانده بلکه به رُمان‌های تازه و موفق از نویسندگانی که به‌رموز پیچیده روانشناسی بشری توجه می‌کردند گرایش پیدا شد.

مقام اجتماعی و ذهن زنان هم در زمان تاگور تغییر پیدا کرده بود. اکنون شور و هیجان‌شان برای زندگی شدت یافته بود. آنها دیگر مطیع موانع و یا اجبارات اجتماعی نبودند، بلکه حالا مسئله و مبارزه‌شان درونی‌تر شده بود. از نبودنی یا آشا (چوکهربالی)، هیم نلنی (نوکادوبی)، سوجاریتا و للیتا (گورا)، دامینی (چتورنگا) گرفته تا بیملا (گاره باثره)، لبنیا (شیشر کبتا)، ویا ایلا (چار ادھیای) - همه زنان سرزنده آن را به اثبات رساندند. بدیهی است که آنها باسوادتر شده بودند و شروع به رفتن خارج از خانه برای بهره بردن از استقلال مالی‌شان کردند. ازدواج کودکان و چندین زنی بین مردم روشنفکر و ترقی‌خواه، شرمناک تلقی شد. زنان توانستند طبق دلخواه‌شان ازدواج بکنند. حتی آنها می‌توانستند مجرد بمانند تا وقتی که همسر مناسبی پیدا نشود. آنها می‌توانستند معلمه سرخانه، پزشک و حتی فعالان سیاسی باشند. تاگور در افسانه‌های «شیشر کبیتا»، «دوئی بون» و «چار ادھیای» به وجود آورده - به زنان خانه‌داری پرداخته که تسلط کامل بر خانواده دارند، خواهی آن راج لکشمی - بینودینی در «چوکهربالی»، آند دامائی، برادا سُنَدری در «گورا» بیملا در «گائره باثره» باشد یا تراجا در «مالنچا». پس آیا زنان در زمان تاگور به هدفشان نایل شدند؟ جوابش آسان نیست. آموزش و پرورش، آمیختگی آزادی مرد و زن و استقلال اقتصادی - این همه اکنون مقام و منزلت زنان در خانواده و نیز جامعه را بغرنج‌تر می‌سازد. آنها نمی‌دانند که از زندگی چه می‌خواهند. ایشان درباره پسند و هویتشان شکاک گشته‌اند. می‌توانیم بگوییم که در افسانه‌های بانکیم زن را از نظر اجتماعی می‌شناختند؛ اما در افسانه‌های تاگور آن نظریه تا حدی بی‌معنی و غیرمهم گشته است. حالا مرکز توجه خود زن اعم از هر چیز دیگری می‌باشد.

همه قهرمانان زن تاگور بسیار دلیر و مهدب هستند. ایشان می‌خواهند در تمام شئون زندگی دوشادوش مردان باشند. لبنیا از شیشر کبیتا در این خصوص بی‌همتا است.

وی زنِ کاملی است که نقشِ معاونی را در جامعه ایفا می‌کند. او بسیار باسواد و از لحاظ مالی مستقل می‌باشد؛ به‌حیث معلّمه سرخانه کار می‌کند و با خانواده‌ای دور از مردم خودش برخورد دارد. وی تصوّر روشن جهان را دارد و به‌عنوان شخصی محدودیت‌های خود را می‌داند و هیچ احساس کمبودی را ندارد. ظاهراً خیلی نرم زبان و ساده می‌باشد البتّه در سیرت باطنی بسیار قوی و ثابت قدم است. قهرمان این افسانه امیت خواب‌بین می‌باشد و این صفت دامن دلی لبنیا را می‌گیرد و وی با امیت خیلی عشق می‌ورزد. باز هم به‌خاطر حفظ نه تنها آزادی بلکه نیز شناخت و عزّت نفس خود از ازدواج با امیت سر می‌پیچد. وی قریحه امیت را کاملاً می‌فهمد و نمی‌خواهد سرنوشت کیتی میتر رفیقّه سابق امیت را در زندگی خودش تکرار بکند. بالآخره لبنیا با مداح سرّی‌اش شوبن لعل ازدواج می‌کند اما تأنرو عاطفه برای امیت را از دست نمی‌دهد البتّه فاصله کافی از او را نگه می‌دارد.

در آخر باید گفت که بعضی اوقات، مطلب برخی از افسانه‌های تاگور کمی شبیه آن بانکیم چندرا و یا افسانه‌نویس معاش شرت چندرا چترجی می‌باشد البتّه توصیف و کردار بندی تاگور بی‌نظیر می‌باشد. زبان و شیوه ارزیابی ذهنی نیز به‌ما کمک می‌کند که به‌باطن بینودینی، دامینی، کومو، للیتا، لبنیا، بیملا، نیرجا، ایلا و زنهای دیگر برسیم. همه‌شان بسیار خاص هستند و روش‌های برخوردشان نسبت به‌زندگی تا امروز که مصادف با یکصد و پنجاهمین سالروز تاگور است، بسیار مهم می‌باشد.